

شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی: راهبرد آمریکا برای حفظ رژیم صهیونیستی

جلیل دارا*

محمود بابایی**

چکیده

به منظور بررسی راه‌های اعمال نفوذ کشورها برای رسیدن به اهداف مشخص خود در عرصه سیاست خارجی، لازم است به ابعاد متفاوتی توجه شود. علاوه بر کنش‌های سخت‌افزاری، کنش‌های نرم‌افزاری نظیر تأثیرگذاری روانی بر یک جامعه و هدایت افکار عمومی آن از طریق توسل به رسانه‌ها و تبلیغات نیز می‌تواند حوزه نفوذ کشورها را در کشور دیگر، به شدت افزایش دهد. آمریکا در کنار اتخاذ راهبردهای مختلف سخت‌افزاری برای حفظ امنیت متحدانش بالأخص رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا، از روش‌های نرم تأثیرگذار، همچون تبلیغات روانی به‌عنوان یک ابزار دارای ضریب نفوذ بالا بهره می‌جوید. در این مقاله دو پدیده «شیعه‌هراسی» و «ایران‌هراسی» به‌عنوان دو شیوه نرم قدرت که آمریکا در شرایط حاضر برای حفظ کیان رژیم صهیونیستی از آن بهره می‌جوید، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی، رژیم صهیونیستی، امنیت.

طرح مسئله

بی‌تردید تعاملات تاریخی بین تمدن غربی و تمدن اسلامی، دوره‌های متعددی را پشت‌سر گذرانده و فراز و فرودهای فراوان داشته است. وقایعی چون جنگ‌های صلیبی، اکتشاف نفت و دستیابی به مناطق نفت‌خیز

jaliledara@gmail.com

*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۶

مسلمان به‌عنوان شریان‌های حیاتی جهان پیشرفته صنعتی و نظامی سرمایه‌داری غرب در سده بیستم بوده و به دنبال آن تجزیه امپراتوری عثمانی، ریشه‌های اساسی چالش جدی اسلام و غرب در نیم‌قرن گذشته محسوب می‌شود. این چالش همواره بین دو محور فرهنگی - ایدئولوژیک^۱ و امنیتی - راهبردی^۲ در نوسان بوده است.

در ظاهر به نظر می‌رسد مسئله شیعه‌هراسی^۳ که در این مقاله بحث خواهد شد، مربوط به حیطه فرهنگی - ایدئولوژیک باشد؛ اما در واقع پیامدهای مهمی در زمینه‌های امنیتی و راهبردی نیز به دنبال خواهد داشت. لذا مسائل مرتبط با شیعه‌هراسی از سه بعد حائز اهمیت می‌باشد که به‌نوعی به موضوع تحقیق حاضر مرتبط است؛ ۱. از طرفی بایستی به راهبرد سیاست خارجی آمریکا توجه داشت؛ اینکه مؤلفه‌هایی مانند شیعه و ایران از چه جایگاهی در استراتژی امنیتی آمریکا برخوردارند؟ همچنین سیاست‌های مدنظر دولت‌های آمریکایی در زمینه‌های مختلف به چه شکلی و با چه اهدافی طراحی شده‌اند؟ دکتربین‌ها، راهبردها و اقدامات عملیاتی‌ای که دولت آمریکا برای رسیدن به اهداف خود مدنظر قرار داده است چه بوده است؟

۲. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها کشور شیعی که مطابق با اصل دوازدهم قانون اساسی، مذهب جعفری اثنی عشری را اتخاذ نموده و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است، در مواجهه با کشورهای جهان و بالأخص منطقه غرب آسیا که اکثراً مسلمان و سنی‌نشین هستند، چه راهبردی دارد و در این زمینه چه تاکتیک‌ها و تکنیک‌هایی را طراحی نموده است؟

۳. راهبرد اسلام‌هراسی^۴، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی^۵ به چه معنی و در راستای چه اهدافی است؟ آیا هراس‌افکنی از ایران، تشیع و اسلام یک پروسه ناخواسته است که به‌صورت طبیعی در حال وقوع است یا پروژه‌ای عامدانه و با اهدافی از قبل طراحی شده است؟

به‌طورقطع در یک مقاله علمی نمی‌توان به‌تمامی این مسائل پرداخت؛ از این جهت اهتمام این مقاله پرداختن به یک سؤال اساسی در همین رابطه است و آن هم اینکه هدف ایالات متحده آمریکا از تلاش برای هراس‌افکنی از تشیع و ترویج ایران‌هراسی به چه منظوری صورت می‌گیرد؟

مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که منطقه غرب آسیا برای آمریکا و غرب به‌عنوان حیطه امنیتی دولت جعلی اسرائیل محسوب می‌شود و در این راستا مقامات آمریکایی و غربی بر این عقیده هستند تا با اتخاذ هر سیاستی و با توسل به هر ابزاری، کیان این رژیم جعلی را در این منطقه حفظ نمایند. چراکه از نظر آنها این کشور به‌عنوان حافظ منافع آمریکا و غرب محسوب شده و به‌عنوان سپر مقابله با جریان

1. Cultural & Ideological.
2. Security & strategic.
3. Shia _ phobia.
4. Islamophobia.
5. Iranophobia.

استکبارستیزی مسلمانان به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. لذا از زمان شکل‌گیری رژیم صهیونیستی همواره تفکر تشیع انقلابی ایران بر ضدیت این رژیم نبوده و از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به دلیل ضدیت جمهوری اسلامی با سیاست‌های غاصبانه و ضد بشری رژیم صهیونیستی، روابط ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تهدیدکننده موجودیت اسرائیل، با رژیم صهیونیستی، همواره از مسائل حساس و مناقشه‌انگیز این منطقه محسوب می‌شده است.

حکومت پهلوی در سال ۱۳۲۸، رژیم صهیونیستی را به‌صورت دوفاکتو^۱ مورد شناسایی قرار داد که البته در دوران نخست‌وزیری مصدق این شناسایی بازپس گرفته شد؛ اما با سقوط دولت مصدق و تحکیم پایه‌های سلطنت محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط دو کشور در سال ۱۳۳۸ مجدداً برقرار شد و تا سقوط شاه در بهمن ۱۳۵۸ به طول انجامید. (Parsi, 2007: 20)

عوامل متعددی اعم از ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در گسترش و تحکیم این روابط دخیل و مؤثر بوده‌اند و همکاری‌های دو کشور در زمینه مسائل امنیتی - نظامی برای هر دو طرف از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار بود، که در این مقاله مجال بررسی تمامی آنها نیست. (Miglietta: 2002) اما یکی از مسائل مهم که در سطح منطقه‌ای اهمیت زیادی داشت و اتحاد دو کشور را موجب می‌شد، هراس هر دو دولت از رژیم‌های رادیکال عرب بود که همکاری‌های بسیار نزدیک موساد و ساواک را در پی داشت. (Lan, 1991: 185-182) ناسیونالیسم و رادیکالیسم عرب به‌ویژه در دوران جمال عبدالناصر، دغدغه‌های فراوانی برای دو رژیم ایجاد کرده بود. (Karsh, 2005: 5-3)

اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی در ایران، رژیم صهیونیستی نه‌تنها اصلی‌ترین متحد منطقه‌ای خود را از دست داد، بلکه ایران، به دشمن شماره یک آن دولت تبدیل شد. گراهام فولر^۲ در کتاب *قبله عالم* به‌وضوح ادعا می‌کند که اسرائیل از شدت چرخش مناسبات خود با ایران یک‌ه خورد و تا مدت‌ها نمی‌توانست آن را هضم کند و از آن به‌عنوان اختلالی موقتی تعبیر می‌کرد. (فولر، ۱۳۷۳: ۱۴۴)

امام خمینی علیه‌السلام در مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی را نژادپرست و غده سرطانی خواند و خواهان محو و نابودی آن شد و در همین راستا روز جمعه پایانی هرماه مبارک رمضان را روز جهانی قدس اعلام کرد و مسلمانان را به راهپیمایی علیه اسرائیل غاصب و حمایت از مردم مظلوم فلسطین دعوت کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۳۷) بدین‌سان محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین بر مبنای حمایت از فلسطین و مخالفت با روند صلحی که آن را ناعادلانه و در جهت منافع اسرائیل می‌داند، قرار گرفت.

۱. به معنی شناسایی موقتی و برقراری مناسبات سیاسی در سطح پایین است و در این نوع رابطه، دو کشور نمی‌توانند سفیر مبادله کرده یا قراردادهای دوجانبه امضا کنند.

2. Graham E, Fuller.

در همین راستا رهبری جمهوری اسلامی ایران در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با عبارتی صریح تأکید نمودند که:

از اهداف اصلی ایجاد اختلاف میان مسلمانان و ترویج شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی، سرپوش گذاشتن جبهه استکبار بر مشکلات خود و حفاظت از رژیم غاصب صهیونیستی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۳/۶)

اهمیت حفظ کیان رژیم صهیونیستی در راهبردهای سیاسی - امنیتی آمریکا و سایر قدرت‌های غربی به قدری بالا ارزیابی می‌شود که می‌توان این نتیجه را گرفت که به‌طور کلی یکی از محورهای اصلی مواجهه آمریکا و سایر قدرت‌های غربی با ایران در این پازل یعنی مناقشه بین ایران و رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر راهبرد ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از جانب آمریکا و سایر کشورهای غربی اتخاذ شده، تا اتحادی علیه ایران و تضعیف نفوذ ایران در منطقه به وجود آید و این امر ممکن نمی‌گردد مگر با حفظ کیان رژیم صهیونیستی که به‌زعم آمریکا و غرب، تهدیدی جدی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و تفکر انقلابی شیعی منطقه محسوب می‌شود.

الف) تعریف مفاهیم

در این زمینه لازم است تا مفهوم شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در کنار صهیونیسم بررسی گردد.

شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی

واژه‌ها ابزار مفاهمه و تفکر و قالب‌هایی برای ارتباطات بشر محسوب می‌شوند. هنگامی که یک واژه تولید می‌شود، علاوه بر اهداف و انگیزه‌های اولیه مبدع آن، بازخوردی که در حیات انسانی و اجتماعی و در اذهان انسان‌ها از آن شکل می‌گیرد، مسیر جدیدی را به سیر تلقی مفهومی آن واژه می‌بخشد. (Saussure, 1918: 132)

دو واژه «شیعه‌هراسی» و «ایران‌هراسی» اگرچه در مقام تحت‌اللفظی، معانی متفاوتی دارند، اما در عصر کنونی و در ادبیات معاصر دارای یک مراد و منظور هستند و اشاره به مفهوم واحدی دارند. برای شرح این دو واژه احتیاج به تبیین دو مقدمه است که مطرح می‌نماییم.

۱. لازم است به این نکته توجه شود که پدیده «هراس‌افکنی» در اصل، یک حرکت تبلیغاتی^۱ است از سوی برخی مراکز و با اهدافی خاص که با شیوه‌هایی گوناگون صورت می‌گیرد. در یک نگاه کلی و از لحاظ تاریخی باید تاریخ تبلیغات را به درازای تاریخ بشریت دانست؛ اما درعین حال نگاهی به برخی مسائل تاریخی و زمینه‌های شکل‌گیری این واژه در ادبیات غرب نکات مهمی را در زمینه‌های ایجاد رعب و وحشت و هراس‌افکنی نمایان می‌سازد.

1. Propaganda.

لغت تبلیغات برای اولین بار در سال ۱۶۲۲ م توسط پاپ گرگوری پانزدهم،^۱ در تأسیس مجمع مقدس تبلیغات ایمان^۲ مورد استفاده قرار گرفت؛ زمانی که کلیسای کاتولیک روم درگیر جنگ‌های مذهبی اغلب ناموفقی به‌منظور اعاده ایمان با استفاده از نیروی اسلحه بود. پاپ که بیهودگی این تلاش را دریافت به‌منظور هماهنگی تلاش برای پذیرش داوطلبانه دکتترین کلیسا توسط مردم، این شیوه تبلیغات را پایه نهاد. (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۳: ۱۸) وی گروهی را برای تبلیغ مسیحیت در بین اقشار مختلف مردم جامعه فرستاد تا آنها را برای گرویدن به دین مسیحیت متقاعد کنند. بر این اساس مفهوم تبلیغات در مقابل زور اسلحه و به‌منظور ترویج عقاید دینی شکل گرفت.

بنابراین اگرچه برخی معتقدند واژه تبلیغ در فرهنگ غربی در معنای ترویج افکار و عقاید اندیشمندان و فلاسفه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته و قابل توجه است، (معمدنازاد، ۱۳۸۷: ۸۵) اما درعین حال کاربرد واژه تبلیغات در فرهنگ غربی تاحدی با صبغه منفی آمیخته شده است و آن زمانی بود که در جنگ‌های جهانی از شیوه‌های مختلف برای جذب آراء و اندیشه‌های مردمی استفاده شد. (کندری، ۱۳۷۱: ۱۸۸) لذا این واژه برای تشریح شیوه‌های اقناع که در جنگ‌های جهانی و پس از آن نیز بود، توسط رژیم‌های اقتدارگرا به کار می‌رفت و این نکته بسیار مهمی است که رژیم‌های اقتدارگرا تلاش می‌کردند تا با دروغ و فریب، افکار و اندیشه‌های مدنظر خود را ترویج نمایند. البته همان‌طور که گفته شد این واژه در فرهنگ‌های مختلف، معانی مختلفی با بار مثبت نیز دارد. اما از دیدگاه غربی بیشتر بار معنایی منفی داشته است. (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۳: ۱۸) باین‌وجود راهبرد شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی نیز از این جنبه که به دنبال القای اندیشه‌ای در ذهن گروهی است، از شیوه‌های تبلیغی مختلف بهره می‌برد.

۲. از طرف دیگر بایستی به این مطلب توجه شود که راهبرد «شیعه‌هراسی» رابطه نزدیکی با «اسلام‌هراسی» دارد. اما مخاطبین این دو راهبرد متفاوت می‌باشد؛ در راهبرد اسلام‌هراسی مخاطب، گروه‌های غیر اسلامی هستند، درحالی‌که در شیعه‌هراسی مخاطب مسلمانان غیرشیعی می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر در اسلام‌هراسی جنگ روانی علیه همه مسلمانان و تبلیغات بر روی اذهان گروه‌های غیرمسلمان صورت می‌گیرد، درحالی‌که در شیعه‌هراسی جنگ روانی علیه شیعیان و تبلیغات بر روی اذهان گروه‌های موازی با شیعه در دین اسلام انجام می‌شود. در پیامدهای اتخاذ این دو راهبرد باید گفت اسلام‌هراسی ذهنیت غیرمسلمان‌ها از اسلام را و شیعه‌هراسی ذهنیت مسلمانان نسبت به مذهب شیعه را تخریب می‌نماید. البته در اسلام‌هراسی به طریق اولی مذهب شیعه نیز به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی تخریب می‌گردد.

اما در لغت انگلیسی برای ترجمه واژه «ترس» در دو واژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی، به‌جای Fear از Phobia استفاده می‌شود و این بدون تردید بی‌دلیل نیست. در ترس به معنی Fear معمولاً ما علت را

1. Pope Gregory XV.

2. Sacra Congregatio de Propaganda Fide.

می‌دانیم و می‌شناسیم و در اصل، ترس ما کنشی زودگذر و طبیعی است. اما در Phobia ما با عنصری مواجه هستیم که فهم علت یا دلیل آن برایمان دور از ذهن است. (www.britannica.com/science/phobia) در دیکشنری آکسفورد نیز واژه به معنی «ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از چیزی» ترجمه شده است. (Stevenson, 1998) در نتیجه دو مقوله غیرمنطقی بودن و بیش از حد بودن، تفاوت اصلی بین ترس و هراس را شکل می‌دهد که این اختلاف در کاربرد معانی می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که ما در شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی با هراس و ترسی مواجه‌ایم که بی‌دلیل و دور از ذهن و تاحدی ناشی از توهمات و تأثیر تبلیغات می‌باشد.

مؤسسه رانیمد تراست^۱ در انگلستان که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در ۱۹۹۷ م، اسلام‌هراسی را ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. (Gordon, 1997: 9)

در عین حال شیعه‌هراسی، هدف قرار دادن مقدسات شیعه و ترس از شیوع اندیشه شیعی محسوب می‌شود. بنابراین از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب اسلامی برآمده از تفکر شیعی در سراسر جهان شناخته شده که از نفوذ و اقتداری معنوی نیز برخوردار است و قدرت‌های استکباری جهانی نیز بر کارآمدی چنین حرکت گسترده‌ای در دنیا به‌عنوان یک کانون قدرت حقیقی اذعان دارند، تمام تلاش کشورهای غربی و آمریکا بر این صورت گرفته تا با تضعیف اقتدار برآمده از انقلاب اسلامی، ایران اسلامی را به‌عنوان یک تهدید جهانی و منطقه‌ای معرفی نمایند.

از طرفی ایران‌هراسی به‌عنوان یک سیاست، طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است. در این راهبرد با منفی معرفی کردن این کشور با عناوین مختلفی مانند یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگ‌ترین حامی تروریست در جهان، کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد، بزرگ‌ترین تهدید برای همسایگان، تهدیدی برای صلح جهانی، اتهام به ایران برای طراحی توطئه به‌منظور نسل‌کشی یهودیان در آینده و موارد مشابه، تلاش می‌شود تا هم ذهنیت‌ها را در رابطه با این کشور و اهداف آن به انحراف بکشانند و هم محدودیت‌های رفتاری‌ای را در کنش‌های بین‌المللی این کشور ایجاد نمایند.

این هراس‌افکنی از شیعه و ایران دو تأثیر عمده می‌تواند داشته باشد که البته هر دو می‌تواند به محدودیت اندیشه شیعی و کشور ایران بیانجامد. چراکه هم موجب می‌شود تا غیر شیعیان و غیر ایرانیان از شیعه و ایران احساس تنفر داشته باشند و هم منجر به آن می‌شود تا ایرانیان و شیعیان رفتارها و عملکردهای خود را کمی محدودتر نمایند تا از مواضع تهمت پرهیز نمایند.

1. Runnymede Trust.

البته این تهدیدات مانعی بر افزایش قدرت ایران نداشته است و به تعبیر ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه جدید»^۱ عصر جدیدی در خاورمیانه آغاز شده است که مهم‌ترین ویژگی آن پایان تسلط آمریکا بر این منطقه و تغییر آشکار موازنه قدرت به سود ایران است که باید از گسترش آن ممانعت کرد. (www.foreignaffairs.com)

ب) پیشینه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی قدرت‌های استکبار

تمرکز جنگ تبلیغاتی بر مثلث ایران‌هراسی (با هدف انزوای جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی نظامی منطقه‌ای)، شیعه‌هراسی (با هدف جلوگیری از شکل‌گیری قطب نظامی، امنیتی و اقتصادی شدن شیعه در جهان اسلام) و اسلام‌هراسی (با هدف تنش‌زایی میان مسلمانان و اقلیت‌های سایر ادیان مانند ایجاد جنگ فرقه‌ای در لبنان) خلاصه اقداماتی است که آمریکا و غرب به منظور طرح‌ریزی خاورمیانه جدید خود در دستور کار دارند و در این راستا اقدامات متعددی را صورت داده‌اند. این مسئله پس از آن رخ داد که طرح خاورمیانه بزرگ جرج بوش پدر بعد از گذشت چند سال نتوانست اجرایی شود و با سدی به نام بیداری اسلامی^۲ مواجه شد. لذا در این راستا تمرکز جنگ تبلیغاتی غرب علیه منطقه بر مبنای سه ضلع مثلث فوق شکل گرفت.

شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی به‌عنوان دو ضلع خاص از این مثلث، مدنظر این مقاله است؛ لذا در ادامه به زمینه‌های شکل‌گیری و توسعه این دو مفهوم می‌پردازیم.

آغاز هراس‌افکنی آمریکا و غرب از اندیشه شیعه و کشور ایران به شکل رسمی آن، هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت؛ تا پیش از انقلاب اسلامی، آمریکا و کشورهای غربی بدون هیچ مانع و زحمتی از منافع موجود در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس بهره‌برداری می‌نمودند و با حضور مستمر خود در منطقه خاورمیانه به‌ویژه منطقه خلیج فارس در راستای بهره‌برداری تمام و کمال از منابع طبیعی این منطقه از جمله منابع انرژی اتخاذ تصمیم می‌نمودند.

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. از نگاه راهبردی منطقه خاورمیانه، به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین این سه قاره و بخشی از یک سیستم ارتباطی شامل اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند محسوب می‌شود. به همین دلیل از دیرباز مورد توجه قدرت‌های جهانی و نیز بازرگانان و تجار دنیا بوده است. همچنین این منطقه مهم‌ترین منبع انرژی جهان به‌شمار می‌آید. به عبارتی خلیج فارس از نظر جغرافیای سیاسی، استراتژیک، انرژی و تاریخ و تمدن یک پهنه آبی مهم و حساس در دنیا محسوب می‌شود. (رفیعی، ۱۳۸۱: ۱) این واقعیت که ایران از نظر جمعیت و منابع، بزرگ‌ترین کشور منطقه است و بیش از نیمی از خلیج فارس به آن تعلق دارد و اکثر نقاط حساس و

1. The New Middle East.

2. Islamic Awakeness.

راهبردی منطقه تحت کنترل ایران هستند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۱) باعث شده که این ویژگی‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه به ایران نیز تسری یابد.

اما روی کار آمدن دولتی اسلامی در ایران که قرائت متفاوتی از اسلام پیش از انقلاب را عرضه داشت، برای غرب به‌منزله از دست دادن پایگاهی استراتژیک در یکی از حساس‌ترین مناطق تحت نفوذ خود تلقی می‌شد.

مردم ایران در سال ۱۹۷۹ م، شاه را - که سیا در سال ۱۹۵۳ م. به تخت نشانده بود - سرنگون کردند و نظام جمهوری اسلامی را تأسیس کردند؛ درحالی که محمدرضا شاه قوی‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه، یکی از مصرف‌کنندگان اصلی وسایل نظامی آمریکا، یکی از دشمنان سرسخت کمونیسم، یکی از میانه‌روهای اوپک و تنها منبع قابل اطمینان نفت برای اسرائیل محسوب می‌شد. وی همچنین اجازه قرار دادن وسایل پیشرفته خبرگیری از روسیه در طول مرز دو کشور را به سیا داده بود. به‌طور کلی شاه از بهترین دوستان آمریکا در خاورمیانه به‌شمار می‌آمد. (امبروز، ۱۳۹۲: ۴۰۰)

در نتیجه آمریکا و سایر قدرت‌ها خلأ ایجاد شده در نفوذشان در این منطقه را ناشی از ظرفیت‌های اندیشه شیعی و قابلیت تمدن‌سازی آن ارزیابی نموده و مشکل اصلی را در شیوع اندیشه شیعی دیدند. به همین دلیل به تقابل با آموزه‌های شیعی پرداختند و مهم‌ترین مؤلفه آن را هراس‌افکنی از صدور انقلاب ایران برشمردند. این موج اول هراس‌افکنی، با راه‌اندازی جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران که نمود بارز شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی بود به نقطه اوج خود رسید.

موج دوم آن بعد از شکست غرب در عرصه نظامی بود. بعد از شکست جنگ سخت‌افزاری علیه ایران، پروژه‌ها و طرح‌های دیگری برای محدود کردن جغرافیایی ایران از حیث نفوذ و تأثیرگذاری از سوی آمریکا و دولت‌های غربی مدنظر قرار گرفت. آغاز این طرح‌ها با موج حملات یازده سپتامبر همراه بود و اوج آن، محاصره ایران با اشغال افغانستان و عراق مقارن شد. غرب این‌گونه می‌اندیشید که با این محاصره می‌تواند محدوده ایران را تحت کنترل قرار دهد. در این دوره مسئله ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی ذیل سایه اسلام‌هراسی برای غرب تعریف می‌شد.

اما موج سوم در این مرحله به تقابل مستقیم با شیعه و ایران بازمی‌گردد که در این مرحله، آمریکا و غرب تلاش می‌کنند تا با مطرح نمودن هلال شیعی و تلاش‌های ایران برای رخنه در سایر دول اسلامی از یک‌سو و مطرح نمودن ایران هسته‌ای به‌عنوان تهدیدی برای اروپا و غرب، اقداماتی را علیه ایران و هم‌پیمانان ایرانی انجام دهند. در قالب همین رویکرد بود که پیروزی شیعیان در عراق در سال ۲۰۰۴ م، واکنش ملک عبدالله، پادشاه اردن را در پی داشت و موجب شد تا وی ضمن مطرح نمودن تهدیدات گسترش شیعیان، موضوع هلال شیعی^۱ را مطرح نماید. (Ruthven, 2011)

1. Shia Crescent.

ج) اهمیت استراتژیک رژیم صهیونیستی برای آمریکا

این‌گونه نیست که ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی با هدف حفظ کیان رژیم صهیونیستی نفع یک‌جانبه برای اسرائیل داشته باشد و بدین‌صورت تلقی شود که بیشترین بهره‌عاید این کشور می‌گردد، بلکه منافع پنهان و آشکاری در تحقق این هدف برای آمریکا وجود دارد که در این قسمت به آن اشاره خواهیم نمود.

۱. پیشینه حمایت ایران از رژیم صهیونیستی

کابینه محمد ساعد، در ۲۳ اسفند همان سال به‌صورت دوفاکتو رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و در بیت‌المقدس سرکنسولگری دایر نمود. بدیهی بود که این اقدام با واکنش منفی مردم و محافل و شخصیت‌های ملی و روحانی روبه‌رو شود. مخالفت مردم با تشکیل رژیم صهیونیستی امر جدیدی نبود، بلکه سال‌ها بود که مردم و جامعه روشنفکری اعتراض خود را نسبت به تأسیس این رژیم به شدیدترین نحوی ابراز نموده بودند. شدیدترین بیانات در این زمینه مربوط می‌شود به اظهارات آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که این امر را ناحق می‌دانست. وی اذعان می‌داشت که در جنگ‌های صلیبی نتوانست خاک مقدس را که وطن حقیقی مسلمانان و اعراب است از چنگ مسلمانان خارج نماید. (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۱۰)

سرانجام دکتر مصدق با عنایت به اصل موازنه منفی^۱ و با توجه به اعتراضات مردم و برخی از نمایندگان مجلس توانست شناسایی دوفاکتو را پس بگیرد و طی اعلامیه‌ای قطع روابط با دولت اسرائیل را به اطلاع عموم رساند. این قطع رابطه از سویی تحسین و تمجید سیاستمداران و شخصیت‌های برجسته عربی را برانگیخت و از سوی دیگر اسرائیلی‌ها و طرفداران انگلیسی آنها را در مقابل مصدق و نهضت ملی کردن صنعت نفت قرار داد.

اما روابط ایران با رژیم صهیونیستی عملاً پس از کودتای ۲۸ مرداد در ابعاد مختلف، خصوصاً در زمینه‌های کشاورزی، اطلاعاتی و نفتی تا انقلاب اسلامی روزبه‌روز گسترش یافت. ایران، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و مورد حمایت خود قرار داد. رژیم صهیونیستی نیز از ایران در چارچوب دکترین محورهای پیرامونی^۲ بن‌گورین^۳ حمایت کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۲۸۴)

مهم‌ترین عواملی که نزدیکی ایران و رژیم صهیونیستی را در این برهه موجب می‌شدند از این قرار بودند:

۱. هر دو کشور از کشورهای غیر عرب منطقه غرب آسیا محسوب می‌شوند.

۱. طبق این اصل اگر کشوری در امضای قراردادی احساس ضرر کرده و آن را با یکی از بازیگران مثل انگلیس فسخ نموده، برای توازن باید امتیاز مشابهی را هم که به رقیب (مثل شوروی) داده است، فسخ نماید. (ر.ک: آقابخش و همکاران، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ص ۴۴۷)

۲. براساس این دکترین، رژیم صهیونیستی می‌بایست روابط خود را با کشورهای پیرامون جهان عرب، به‌ویژه ترکیه و ایران توسعه دهد.

3. David Ben _ Gurion.

۲. رژیم صهیونیستی به عنوان پیشرفته‌ترین کشور غرب آسیا جایگاه ویژه‌ای در اهداف و برنامه‌های جاه‌طلبانه شاه ایران برای رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ داشت. این پیشرفته بودن هم در زمینه‌های نظامی امنیتی و هم در زمینه‌های اقتصادی و تکنولوژیک برای ایران جذابیت فراوانی داشت.

۳. همکاری‌های امنیتی ایران و رژیم صهیونیستی نیز به دو طرف کمک می‌کرد تا فضای امنیتی خود را امن‌تر نمایند. در این زمینه رژیم صهیونیستی در هدایت فعالیت‌های اداره سوم ساواک ایران نقش ایفا می‌کرد و به آموزش شکنجه‌های روانی به شکنجه‌گران ساواک می‌پرداخت. (Lan, 1991: 182-185)

۴. هراس هر دو کشور از دولت‌های عربی نیز از دلایل مهمی بود که این دو کشور را به هم نزدیک می‌کرد.

۵. اما مهم‌ترین دلیلی که به نظر می‌آید توانسته بود این دو کشور را به هم نزدیک نماید، رابطه این دو کشور با ایالات متحده آمریکا بود که لازم است در این زمینه بیشتر توضیح داده شود.

روابط ایران با آمریکا برای شاه از اهمیت حیاتی‌ای برخوردار بود و وابستگی فزاینده‌ای بعد از کودتای ۲۸ مرداد در این زمینه شکل گرفت. این وابستگی به‌ویژه در امور نظامی و تسلیحاتی بود که اهرم‌های متنفذ در آمریکا توانستند توجه کارگزاران روابط خارجی ایران را به خود جلب کنند. با توجه به اینکه لابی یهود از قدرتمندترین گروه‌های ذی‌نفوذ در آمریکا به حساب می‌آید، رژیم پهلوی در سیاست‌گذاری خارجی خود در امور اسرائیل، همواره به این عامل مهم و تعیین‌کننده توجه داشت تا با حمایت از رژیم صهیونیستی نظر آمریکا را جلب نماید.

۲. منافع آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی

این دیدگاه درست بود که آمریکا در برابر حمایت ایران از رژیم صهیونیستی اعلام رضایت کند؛ چراکه یهودیان در آمریکا نفوذ بسیار زیادی داشته و دارند. یهودیان به صورت گسترده‌ای در تمام عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی آمریکا حضور دارند. آنها به عنوان اعضای کابینه ریاست جمهوری، سفیر و نیز تعداد زیادی در کلیه دستگاه‌های قضایی فدرال و ایالتی به عنوان قاضی برای تصدی پست‌های دولتی انتخاب شده و در مشاغل انتصابی رده بالا به خدمت گرفته شده‌اند و به عنوان روزنامه‌نگار سیاسی، کارشناس و نظریه‌پرداز سیاسی، فعالان اجتماعی و سیاسی، مشاورین انتخاباتی، دستیاران مسئولین و نیز به عنوان حامیان اصلی کمک به مبارزات انتخاباتی در آمریکا حضور دارند. (Sandy and Forman, 2001: 5)

بدون شک این حضور به شکل پراکنده و غیر سازمان یافته نیست و در این راستا یهودیان تشکل‌ها و لابی‌های متعددی دارند که فعالیت‌های آنها را در ایالات متحده هماهنگ می‌نماید. از جمله این تشکل‌ها می‌توان به اتحادیه صهیونیستی آمریکا، هاداساه (سازمان زنان یهود آمریکا)^۱، کنگره صهیونیسم بین‌المللی (که هر چهار سال یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد)، کمیته عمومی صهیونیسم، صندوق اسکان یهود و کنفدراسیون صهیونیست‌های متحد می‌توان اشاره کرد. اما بی‌تردید مهم‌ترین، اثرگذارترین و قدرتمندترین

1. Hadassah, Women's Zionist Organization of America.

این لابی‌ها کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC)^۱ می‌باشد. آی‌پک در بالاترین مرتبه قدرت در میان لابی‌های تأثیرگذار بر سیاست‌ها در قوه مقننه و مجریه آمریکا قرار دارد. این نفوذ تا بدان حد است که مرشایمر و والت بر این عقیده هستند که اگر آی‌پک نبود سیاست آمریکا در غرب آسیا کاملاً متفاوت بود. (Mearsheimer, 2006: 30) لذا پهلوی، نزدیکی به رژیم صهیونیستی را از این دید نیز مورد توجه قرار می‌داد، چراکه نزدیکی به اسرائیل نزدیکی به آمریکا محسوب می‌شد.

از طرفی هرچند نقش لابی یهود و طرف‌داران غیر یهودی رژیم صهیونیستی در آمریکا بسیار مهم، مؤثر و حتی در مقاطعی تعیین‌کننده بوده، اما به نظر می‌رسد که منافع استراتژیک آمریکا نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم سیاست‌های آمریکا در قبال اسرائیل داشته است. نیکسون^۲ اولین رئیس‌جمهوری بود که تلاش برای حفظ توازن در ارتباط با اعراب و اسرائیل را کنار گذاشت و برای اولین بار اسرائیل را یک دارایی استراتژیک برای آمریکا در دوره جنگ سرد توصیف کرد. در دوره او بود که آمریکا جای فرانسه را به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده سلاح برای اسرائیل گرفت. (امروز، ۱۳۹۲: ۳۷۸ - ۳۷۷)

بر این اساس، آمریکا در دوره نیکسون بنابر ملاحظات خاص خود در دوره جنگ سرد و الزامات ناشی از رقابت دو اردوگاه رقیب، متمایل به اسرائیل شد و لابی یهود تنها نقش کمکی و فرعی در این ارتباط ایفا کرد. اما پایان جنگ سرد موجب پایان اهمیت استراتژیک رژیم صهیونیستی برای منافع آمریکا در خاورمیانه نشد؛ چراکه آمریکا همواره به همان اندازه نگران حرکات ناسیونالیستی در کشورهای عربی و در سال‌های اخیر بنیادگرایی اسلامی بوده است. به‌عبارت‌دیگر ارتش اسرائیل به‌عنوان یک ارتش باثبات در منطقه برای آمریکا مطرح بود و کمک به آن پیوسته در دستور کار قرار داشته است. طی این مدت در صحنه سیاست داخلی آمریکا نیز تحولاتی متناسب با روند افزایش حمایت از رژیم صهیونیستی روی داد و از جمله شمار عرب‌گراها در وزارت خارجه و سیا به‌تدریج رو به کاهش نهاد. (تری، ۱۳۸۸: ۹۲)

علاوه بر منافع استراتژیک رژیم صهیونیستی برای آمریکا در خاورمیانه در دوره قبل و بعد از جنگ سرد، مجموعه عوامل دیگری نیز مستقل از نقش لابی طرف‌دار اسرائیل در آمریکا (تری، ۱۳۸۸: ۵۶)، در ایجاد روابط استراتژیک میان دو کشور مؤثر بوده است. وابستگی آمریکا به نفت، مسئله تروریسم، مهار ایران و عراق و این ادعای رایج در آمریکا که گویا اسرائیل تنها دموکراسی در خاورمیانه است، در تقویت مبانی روابط استراتژیک میان دو کشور نقش داشته است.

د) اقدامات تبلیغاتی و عملی آمریکا در جهت حفظ کیان رژیم صهیونیستی

منافع خاص آمریکا و غرب در منطقه پرمفعت غرب آسیا و همچنین گره خوردن منافع آمریکا و رژیم

-
1. American Israel Public Affairs Committee.
 2. Richard Nixon.

صهیونیستی، منجر به آن شد تا آمریکا و غرب به منظور دستیابی به اهداف خود، تثبیت جایگاه رژیم صهیونیستی را به عنوان ابزاری برای تأمین منافع خود در دستور کار قرار داده و با اتخاذ سیاست شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی به این مقصود دست یابند. در ذیل به اختصار به این سیاست‌ها و روش‌های اعمال آن می‌پردازیم.

۱. شیعه‌هراسی در جهت دفع تأثیرات انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین رویداد سیاسی - دینی قرن بیستم در غرب آسیا و جهان اسلام، تأثیرات مستقیم و فراوان بر فرهنگ و پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی منطقه گذاشت. با توجه به جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، پیروزی انقلاب و تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در راهبردها و رویکردهای سیاسی ایران، باعث درهم ریختن همه معادلات و در نتیجه نظام منطقه‌ای و بین‌المللی شد. این تغییرات را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

ابتدا از نگاه قدرت‌های بزرگ و اثری که انقلاب اسلامی بر راهبردهای قدرت‌های بزرگ در منطقه داشت و در ثانی از نگاه اثراتی که انقلاب اسلامی ایران بر سایر کشورهای منطقه گذاشت که این اثرات نیز به‌طور غیرمستقیم بر منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه غرب آسیا اثرگذار بود.

مسائلی که انقلاب اسلامی ایران را به عنوان تهدیدی مستقیم برای منافع قدرت‌های بزرگ معرفی نمود می‌توان در سه قسم خلاصه کرد:

۱. در چارچوب جنگ سرد و اهمیت پیمان سنتو^۱ به عنوان حلقه اتصال بین پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۲ و پیمان سیتو،^۳ با هدف مهار کردن اتحاد شوروی سابق و ممانعت از نفوذ آن به خلیج فارس و اقیانوس هند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خروج ایران از سنتو، این معاهده فروپاشید و زنجیره آمریکا در جنوب اتحاد جماهیر شوروی پاره شد. (خانی، ۱۳۸۷: ۳)

۲. در چارچوب حفظ امنیت خلیج فارس با توجه به نقش مهم ایران در دکترین دو ستونی^۴ نیکسون، انقلاب اسلامی باعث سقوط این دکترین شد و در نتیجه آمریکا در وهله اول اتحادی از کشورهای عربی در

1. Central Treaty Organization, CENTO.

این پیمان در اصل به منظور جلوگیری از نشر کمونیسم به کشورهای مجاور شوروی در بغداد منعقد شد.

2. North Atlantic Treaty Organization, NATO.

3. Southeast Asia Treaty Organizatio, SEATO.

پیمان نظامی بود که در سپتامبر ۱۹۵۴ م، با هدف دفاع از آسیای جنوب شرقی در برابر نفوذ و تهاجم کمونیسم ایجاد شد. (ر.ک: آلتون، ۱۳۷۵، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر ص ۴۸۴ - ۴۸۲)

۴. سیاست معروف به «دو ستون» Two Pillars Pollicy توسط نیکسون و کیسینجر برای حفظ امنیت خلیج فارس در نظر گرفته شد که ایران و عربستان هر کدام یکی از ستونهای آن را تشکیل می‌دادند. (ر.ک: اسدی، ۱۳۷۰، علایق و استراتژی ابر قدرت‌ها در خلیج فارس، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۹۲ - ۹۱)

شيعه‌هراسی و ايران‌هراسی: راهبرد آمريکا برای حفظ رژيم صهيونيستی □ ۲۰۱

خليج فارس تحت عنوان «شورای همکاري خليج (فارس)»^۱ به وجود آورد تا آنها مشترکاً ارتشی به نام «سه جزيره» تشکیل دهند. در وهله دوم کوشيد ايدۀ استقرار نيروهای واکنش سريع را در منطقه عملی سازد که در نهايت به حضور نظامی مستقيم آمريکا در جنگ نفت در منطقه منجر شد. (حافظنيا، ۱۳۷۱: ۱۰۴)

۳. در چارچوب کشمکش اسرئيل و اعراب، با توجه به نقش مهم ايران در دکترین موسوم به «مرکز و پيرامون» برای محاصره جهان عرب، پیروزی انقلاب اسلامی در ايران به اين دکترین پايان داد و اسرئيل که تقريباً هم‌زمان با پیروزی انقلاب، مصر را از طريق معاهده کمپ ديويڈ از صحنه خارج کرده بود، همه توان خود را متوجه جبهه شرقی کرد که نتيجه آن اشغال لبنان در ۱۹۸۲ م. بود.

اما وقوع انقلاب اسلامی، اثرات غيرقابل انکاری را بر روی کشورها و جوامع اسلامی گذاشته بود. به‌عنوان نمونه با شروع نهضت انقلابی مردم ايران و سپس پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی و همچنين واقعه عظيم دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، در جامعه لبنان اثرات شگرفی به‌جای گذاشت که در حال حاضر نیز اثرات آن قابل مشاهده است و مهم‌ترین اثر آن تشکیل حزب‌الله لبنان به‌عنوان تهديد جدی برای رژيم صهيونيستی است. برخی ديگر از اين تأثيرات در دهه هفتاد ميلادی عبارت بودند از: حضور سيد (امام) موسی صدر، دکتر چمران، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت مردمی، تقويت هويت دينی مقاومت، ايجاد جنبش محرومان، شکل‌گیری بسیج مردمی مقاومت، ترويج عمليات استشهادی و جنگ عاشورائی (سلیمانی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۲ - ۲۱۹) که همه اينها از عوامل تهديدزا برای کيان رژيم صهيونيستی محسوب می‌شود و البته زاييدۀ تفکر انقلابی ايران است.

یکی ديگر از مصاديق تأثيرات انقلاب اسلامی در گسترش موجی از بيداری اسلامی و شرايط سياسی منطقه خاورميانه در دهه ۸۰ و ۹۰ ميلادی را می‌توان تأليف کتابی درباره امام خمینی (ع) توسط راشد الغنوشي و دستگیری و زندانی شدن وی دانست. (واعظی، ۱۳۹۱: ۳۵۰)

در مجموع هدف انقلاب اسلامی فعاليت در سطح ديپلماسی عمومی و جذب ملت‌ها بوده و در اين راستا در پی حمايت فرهنگی، اقتصادی، سياسی از مسلمانان تحت ستم بوده است. اما چون اين سياست با راهبردهای استکباری آمريکا و رژيم صهيونيستی در تضاد بوده و به‌نوعی تهديدی برای امنيت اسرئيل به‌شمار می‌آيد انقلاب اسلامی مورد حمله واقع شده و ايران به فعال نمودن نهادگرایی شيعه در عراق، لبنان، بحرين و سوريه متهم گرديده و همواره به‌عنوان دولتی طرف‌دار افراطی‌گری شيعی معرفی شده است.

۲. ايران‌هراسی در جهت مهار اقتدار منطقه‌ای ايران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکست سياست دو ستونی نیکسون که تقريباً با رياست جمهوری رونالد ريگان^۲

-
1. (Persian) Gulf Cooperation Center.
 2. Ronald Reagan.

مصادف بود، آمریکا سیاست تهاجمی تر را اتخاذ کرد. جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در همه نقاط جهان از جمله خلیج فارس استراتژی اصلی ریگان محسوب می شد. با وجود جهت گیری ریگان علیه اتحاد شوروی، اما به دلیل اهمیت جلوگیری از نفوذ تفکر انقلابی - شیعی، حوزه اصلی استراتژی آمریکا در این دوران در خلیج فارس متوجه محدود ساختن ایران بود که در این چارچوب برای جلوگیری از موفقیت های پی در پی ایران در جنگ تحمیلی، اقدامات زیادی را علیه کشورمان به مرحله اجرا درآورد که سه نمونه بارز آن عبارت اند از:

۱. نصب پرچم خود روی نفت کش های کویت برای جلوگیری از حمله ایران به تلافی کمک کویت به عراق؛
 ۲. حمله به سکوه های نفتی «ساسان» و «سیری» در خلیج فارس پس از برخورد کشتی های آمریکایی با مین های دریایی که مدعی شده بود کار ایران است؛

۳. سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو «یو. اس. اس. وینسنس»^۱ و جان باختن ۲۹۵ سرنشین آن. از طرف دیگر رشد قدرت ایران در زمینه های مختلف از جمله در زمینه های علمی و نظامی از مسائلی بوده که برای قدرت های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا قابل قبول نبوده است. «غالب قندیل»^۲ تحلیل گر و عضو هیئت رسانه ملی لبنان در روزنامه الوفاق در این خصوص این گونه می نویسد که:

چهل سال پیش همه شاهد بودند که آمریکا با قدرت نمایی در جهان همواره سعی داشت تا چین را که در آن زمان در حال پیشرفت بود، به زانو درآورد. جنگ ها، تحریم ها و سیاست ددمنشانه واشنگتن در قبال پکن نمونه هایی از این تلاش ها بود. با این وجود چینی ها مقاومت کردند و توانستند سیاست های خود را در ویتنام و کره و حتی لائوس بر آمریکا غالب کنند. چین در دهه های اخیر به رقیب خطرناک ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. همان سیاست ها و تلاش های واشنگتن در قبال پکن امروز علیه ایران در حال اجرا شدن هستند. از مسئله مذاکرات هسته ای گرفته تا رقابت با ایران در مسائل امنیتی و سیاسی منطقه همه نمونه های بارزی از سیاست های ددمنشانه آمریکاست که ۴۰ سال پیش آنها را علیه چین به کار می گرفت. ایران بعد از انقلاب توانست تا آسیای میانه پیش رود و قدرت و نفوذ خود را در منطقه به همگان ثابت کند. سیاست هایی که امروزه ایران در کنار هم پیمانان روسی و چینی خود در قبال مقاومت در منطقه و دفاع از سوریه و فلسطین پیش می برد، یادآور مقاومت چینی ها در دهه ۷۰ م. است؛ آن زمان که چین در مقابل سیاست های ددمنشانه آمریکا ایستاد و بسیاری از کشورهای آسیای شرقی را با خود همراه کرد. اعتراف به ایران هسته ای، زمینه سازی برای لغو تحریم ها و وجود ثروت های خدادادی در ایران در کنار علم و تکنولوژی باعث خواهد شد تا ایران به قافله ابرقدرت ها ملحق شود. ایران نتیجه مقاومت و ایستادگی خود را به دست می آورد. (قندیل، ۱۴۳۶: ۷)

-
1. USS Vincennes.
 2. Ghaleb kandil.

شيعه‌هراسی و ايران‌هراسی: راهبرد آمريکا برای حفظ رژيم صهيونيستی □ ۲۰۳

اين اقتدار از دو سو برای ايران مفيد بود؛ از سویی موضوع صدور آموزه‌های انقلاب اسلامی را ممکن تر از قبل نموده و از جهتی ديگر به ايران اين فرصت را می‌دهد تا در نظام بين‌الملل به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار و مهم منطقه‌ای شناخته شود.

اما ایالات متحده از اين موضوع نیز برای ترساندن کشورهای عربی منطقه و همسایگان ايران و با دستیابی به دو هدف سود برد:

۱. افزایش حمایت نظامی از کشورهای هم‌پیمان و گسترش فعالیت نیروهای واکنش سریع در منطقه؛
۲. ایجاد مراکز دائمی نظامی در خاورمیانه که بتواند اوضاع سیاسی نظامی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

وزارت خارجه آمريکا در گزارش محرمانه اين نهاد تحت عنوان «آموزش نظامی خارجی و فعالیت‌های مرتبط وزارت دفاع» در سال ۲۰۰۸ م. که بخش‌هایی از آن را در سایت خود قرار داده است، هدف از همکاری‌های نظامی خارجی را تشریح می‌نماید که در آن به دسترسی عملیاتی و آزادی عمل جهانی، توانایی عملیاتی و توانمندسازی نیروهای مسلح، پشتیبانی از توانمندی‌های ایالات متحده، افزایش تبادل اطلاعات نظامی و جاسوسی و ایجاد اصلاح و پیشرفت در بخش‌های امنیتی و دفاعی اشاره شده است. (Department of State, 2008)

در واقع آمريکا تلاش می‌نماید تا مانع شیوع اندیشه استقلال‌خواهانه ايران اسلامی شود و در اين راستا هراس کشورهای منطقه از اقتدار ايران می‌تواند کارساز باشد. بدین صورت که با ایجاد و گسترش شيعه‌هراسی و ايران‌هراسی، «تهدید ايران برای اعراب» را جایگزین «تهدید اسرائیل برای اعراب» نماید.

۳. مخالفت آمريکا و غربی‌ها با ايران انقلابی با هدف سرکوبی بیداری اسلامی
- فريد زکریا^۱ از اساتید مشهور علوم سیاسی آمريکا در مصاحبه با ديلي استار درباره سیاست خارجی آمريکا می‌گوید:

در چند سال گذشته دو تغییر مهم در سیاست‌های آمريکا موجب باز شدن فضای خاورمیانه شده است. نخست اين درک آمريکا بود که حمایت اين کشور از دیکتاتورهای منطقه موجب به وجود آمدن دور باطلی از مخالفان اسلام‌گرا شده است، که خشونت و تنفر شديد از آمريکا را در پيش گرفته‌اند. دوم اينکه قدرت خود آمريکا رو به افول گذاشته است. جنگ عراق و جنگ افغانستان که هنوز آرام نشده است و توافق اسرائیل و فلسطين که اکنون بسیار غيرمحمتمل به نظر می‌رسد همگی نشان از محدودیت‌های قدرت آمريکا هستند. (<http://www.dailystar.com>)

1. Fareed Zakaria.

این اصل ماجرای بود که اکنون نتایج آن تحت عنوان بیداری اسلامی شناخته می‌شود. مقابله با این طرز فکر و بازتعریف آمریکا در منطقه خاورمیانه در کنار کنترل نامحسوس روند اسلامی شدن دولت‌های خاورمیانه از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه بعد از تحولات دهه دوم قرن ۲۱ در این منطقه محسوب می‌شود.

آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش کرد تا انقلاب اسلامی ایران را مترادف با جریان انحرافی و افراطی و تروریستی در پوشش گروه‌های اسلامی، نظیر طالبان و القاعده نشان دهد، که این توطئه با هدف تخریب وجهه مترقی و عدالت‌خواهانه ایران صورت می‌گرفت. از این‌رو شبکه‌های استکباری صهیونیسم و سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس به دنبال فتنه‌انگیزی بوده و تلاش کردند تا وجهه انقلاب اسلامی، مانع از الهام‌بخشی آن به‌ویژه نزد ملت‌های مسلمان باشد. (یوسفی، ۱۳۹۱: ۲۶۴)

درحالی‌که جوهر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی حاکم بر ایران، نمونه مناسبی برای کشورهای مسلمان می‌باشد، و با توجه به اینکه ذات این جنبش‌ها و انقلاب‌ها با انقلاب ایران هم‌سنخ است و از جوهر اسلام نیز برخوردار است، ملت‌ها و کشورهای مسلمان می‌توانند از تجربیات، توفیقات و ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری کنند. (مقصودی، ۱۳۹۰: ۴۶ - ۴۵)

اثربخشی قالب‌های گفتمانی مبتنی بر الهام‌بخشی اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران را که دارای رویکرد متعارض با نشانه‌های اقتدارگرایی، استبدادی، دست‌نشانده‌گی و وابستگی هستند، می‌توان در جنبش اجتماعی کشورهای مختلف غرب آسیا مورد ملاحظه قرار داد. موج‌های مردم‌گرا در مقابله با ساختارگرا در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، براساس جلوه‌هایی از اعتراض‌های نهفته شکل گرفته است؛ اعتراض‌هایی که تحت تأثیر نظام سیاسی اقتدارگرا، قابلیت خود را برای کنش‌گری سیاسی از دست دادند. با این حال، این اعتراض‌ها در سال‌های بعد از انقلاب گسترش یافتند که نتیجه آن را می‌توان در بیداری اسلامی جستجو کرد. (واعظی، ۱۳۹۱: ۳۴۸) همه این اتفاقات در جهت تضعیف امنیت رژیم صهیونیستی خواهد بود.

بر این اساس استحاله فرهنگی، غلبه تفکر سکولاریسم، نفوذ عوامل غربی در مراکز آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ها و به راه انداختن جنگ روانی تبلیغاتی علیه اسلام و مسلمانان، تحت عناوین مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، نابودی سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، برقراری دموکراسی، برنامه راهبردی آمریکا در قرن ۲۱ می‌باشد.

نتیجه

در نظریات جغرافیای سیاسی به‌طور غالب این‌گونه تبیین می‌شود که منطقه غرب آسیا از حساسیت و اهمیت بالایی برخوردار است. علت اهمیت آن را مسائل متنوعی ذکر می‌نمایند؛ که مهم‌ترین آنها نزدیکی به منطقه

هارتلند^۱ و همچنين جايگاه انرژی در معادلات عرصه سياست بين‌المللی اشاره نمود که در اين مجال امکان شرح و بسط آنها نيست. اما در مجموع قدرتهای بزرگ کنترل بر اين منطقه را مترادف با کنترل نبض دنيا می‌انگاشتند. همان‌طور که گفته شد ایالات متحده نيز به‌منظور افزایش نفوذ خود در اين منطقه و بالطبع افزایش قدرت خود در نظام بين‌الملل همواره از دکترین‌ها و راهبردهای مختلفی در اين زمينه بهره برده است. یکی از اين راهبردها اتخاذ سياست ايران‌هراسی و شيعه‌هراسی با هدف تأمین امنيت رژيم صهيونيستی است. اما حوادث رخ داده در ابتدای هزاره سوم ميلادی، حتی اگر به ظن برخی، از سوی آمريکا مدیریت شده نيز باشند، اين کشور را با چالش‌های بسياری در اين راستا مواجه نمود. تزلزل قدرتهای منطقه‌ای و نوسان ميزان قدرت بازیگران در حوزه غرب آسيا موجب پیچیده شدن روزافزون معادلات قدرت در منطقه شده است. در اين میان بحران حاکميت در مصر، لیبی، يمن، عراق و سوریه که ناشی از موج جدید بيداری اسلامی است، ساير قدرتهای سنتی منطقه نظير عربستان و نيز کيان رژيم صهيونيستی را با چالش‌های متعددی مواجه نموده و امنيت آنها را تهديد می‌نماید. لذا امری طبیعی است که قدرتهای بزرگی چون آمريکا با ماهيت استکباری با اتخاذ راهبردهایی متفاوت نسبت به سابق، در پی افزایش نفوذ خود در منطقه و تأمین منافع خود باشند.

در هر صورت اگرچه اتخاذ راهبرد مذکور از سوی آمريکا می‌تواند در حد خودش ايران اسلامی را وارد درگیری‌های پیچیده منطقه‌ای و جهانی نماید که البته جمهوری اسلامی همواره بایستی در تعاملاتش با جهان نسبت به اين مسئله آگاهانه و مدبرانه برخورد نماید، اما از طرفی، برخی عملکردهای نامناسب صورت گرفته از خودی‌ها نيز موجب دامن زدن به هراس از شيعيان در بين اهل تسنن و غيرمسلمان‌ها شده است. لذا علی‌رغم اینکه بهترين راه مقابله با اين راهبرد اندیشه‌ای، تقابل اندیشه‌ای است، در عين حال بایستی از برخی عملکردهای افراطی نامناسب به نام اندیشه شيعی نيز فاصله گرفت و در اين راستا از مواردی که می‌تواند موجب اتهام به شيعيان گردد دوری گزید.

منابع مأخذ

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، ۱۳۸۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۲. آمبروز، استیفن، ۱۳۹۲، روند سلطه تاریخ سياست خارجی آمريکا ۱۹۱۳ - ۱۹۳۸، ترجمه احمد تنابنده، تهران، چاپخش.
۳. ازغندی، سيد علیرضا، ۱۳۸۲، سياست و حکومت در ايران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ تهران، سمت.
۴. اسدی، بیژن، ۱۳۷۰، علايق و استراتژی ابرقدرت‌ها در خليج فارس، تهران، دانشگاه شهيد بهشتی.

1. Heartland.

۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. پراتکانیس، آنتونی و الیوت آرنسون، ۱۳۸۳، *عصر تبلیغات*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، سروش.
۷. پلینو، جک. سی و ری آلتون، ۱۳۷۵، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر.
۸. تری، جنیس. جی، ۱۳۸۸، *سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ*، ترجمه ارسلان قربانی و رضا سیمبر، تهران، سمت.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۷۱، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، سمت.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، *سخنرانی در دیدار مسئولان و سفیران کشورهای اسلامی*، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۱۱. خانی، محمد، ۱۳۸۷، *استراتژی‌های آمریکا در خلیج فارس با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران*، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷، کد پژوهشی: I.393.
۱۲. رفیعی، عبدالله، ۱۳۸۱، *بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی*، تهران، نشریه ابرار.
۱۳. سلیمانی‌زاده، داود، ۱۳۸۶، *انقلاب اسلامی و احیای هویت دینی شیعیان لبنان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. فولر، گراهام، ۱۳۷۳، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۱۵. قنديل، غالب، ۱۴۳۶، «*ایران فی المسار الصینی*»، تهران، مندرج در: *روزنامه الوفاق*.
۱۶. کندری، مهران، ۱۳۷۱، «*نکاتی درباره نازیسم*»، *مجله فرهنگ*، پاییز، ش ۱۲.
۱۷. معتمدزاد، کاظم، ۱۳۸۷، «*مبانی و اصول تبلیغات سیاسی*»، *رسانه*، ش ۷۵.
۱۸. مقصودی، مجتبی و شقایق حیدری، ۱۳۹۰، «*بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه*»، *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری*، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی، ش ۲.
۱۹. ملک‌محمدی، حمیدرضا و مهدی داودی، ۱۳۹۱، «*تأثیر ایران‌هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس*»، *فصلنامه سیاست*، ش ۲.
۲۰. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۷۳، *سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۵۷ - ۱۳۰۰*، تهران، البرز.
۲۱. واعظی، محمود، ۱۳۹۱، *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه نظریه‌ها و روندها*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۲. یوسفی، بتول، ۱۳۹۱، *مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

23. Department of State, 2008, *Foreign Military Training and DoD Engagement Activities of Interest*. <http://www.state.gov/t/pm/rls/rpt/fmtrpt/2008/126352.htm>, Access in 22/9/2015.
24. Gordon, Conway, 1997, *Islamophobia: A Challenge for us*, report of the Runnymede Trust, The Commission on British Muslims an Islamophobia.
25. Haass, R. N, 2006, "*The New Middle East*", *Foreign Affairs*, Available in: https://www.foreignaffairs.com/articles/middle_east/2006_11_01/new_middle_east, Access in 22/9/2015.
26. <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/457032/phobia>, Access in 1/21/2015.
27. <http://www.dailystar.com.lb/GetArticleBody.aspx?id=121291&fromgoogle=1> Access in 23/9/2015.
28. Karsh, Erfan, 2005, *Rethinking The Middle east Israeli History, Politics and Society*, London, Frank Cass.
29. Black, Lan, 1991, *Israel's Secret Wars, London*, Hamish Hamilton.
30. Mearsheimer, John. J and Walt, Stephen. M, 2006, *The Israel Lobby and U.S.Foreign Policy, Middle East Policy*, Vol.XIII, No.3
31. Miglietta, John. P, 2002, *American Alliance Policy in the Middle East, 1945 _ 1992: Iran, Israel, and saudi Arabia*, London, Meryland, Lexington Books
32. Parsi, Trita, 2007, *Treacherous Allience The Secret Dealings of Israel, Iran And U.S.*, Yale University Press/New Haven and London.
33. Ruthven, Malise, 2011, *The Revolutionary Shias*, NYRB, Dec. 22, available in http://www.nybooks.com/articles/archives/2011/dec/22/revolutionary_shias/, Access in 1/27/2015.
34. Sandy, Maisel, Ira, Forman, 2001, *Jews in American Politics*, USA, Rowman & LittlefieldPublisher, Inc.
35. Saussure, F, 1918, *Course in General Linguistics*, Tran, Roy Harris, London, Duckworth.
36. Stevenson, Angus, 1998, *Oxford Dictionary of English*, New york, Oxford.

الملف النووي الإيراني والاقتصاد السياسي الدبلوماسي لوسائل الاعلام المهيمن (المصالح الاستراتيجية لامريكا من وراء افتعال الأزمة النووية الإيرانية في غرب آسيا)

جواد حق گو^١

ملخص البحث: الجدل النووي ليران مع الغرب بمختلف جوانبه وأبعاده، تحول في السنوات الأخيرة إلي الموضوع الأساسي في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية في ايران، وكان له تأثيره علي المصالح القومية للجمهورية الإسلامية الإيرانية بأشكال وصور شتى. في هذا السياق يتصف تعاطي حكومة الولايات المتحدة مع هذا الموضوع بصفته القوة المهيمنة في النظام العالمي الحالي، بأهمية فائقة. علي هذا الأساس بالتزامن مع طرح الملف النووي الإيراني في المحافل الدولية، جعلت الحكومة الاميركية علي جدول أعمالها افتعال أزمة في هذا الموضوع. الموضوع الأساسي لهذه الدراسة هو تقصي سبب وكيفية إيجاد هذه الأزمة. عند الإجابة عن هذا السؤال، وفي سياق دراسة المصالح الاقتصادية والسياسية الأكثر استراتيجية من وراء إيجاد أزمة المفاعل النووي الإيراني علي مستوي منطقة غرب آسيا، نسلط الضوء علي الدور الأساسي لوسائل الاعلام الاميركية في إيجاد ومن ثم استمرار اثارة الجدل حول المفاعل النووي الإيراني.

الألفاظ المفتاحية: أزمة المفاعل النووي الإيراني، الدبلوماسية الإعلامية، صوت امريكا، الخوف من ايران، الخوف من الشيعة، الخوف من الإسلام، غرب آسيا.

مدي الإهتمام بمكونات الهوية الثورية في كتب التاريخ الدراسية للمرحلة الدراسية المتوسطة (اختصاصات العلوم الأساسية ١٩٧٩ إلي ٢٠٠٩ م)

فرهاد پروانه^٢ / عيسى ابراهيم زاده^٣ / داريوش نظري^٤

ملخص البحث: أهم وسيلة لدي نظام التعليم والتربية لغرس الهوية الثورية في أفكار التلاميذ وضمائرهم هي الكتب الدراسية. يري واضعو المناهج الدراسية أن كتاب مادة التاريخ يُعد من الأدوات المهمة لتحقيق هذه الغاية. القضية الأساسية التي يعالجها هذا البحث هي الإجابة عن هذا السؤال وهو ما مدي الاهتمام بمكونات الهوية الثورية في كتب مادة التاريخ للمرحلة المتوسطة في اختصاصات العلوم الأساسية منذ [انتصار الثورة] عام ١٩٧٩ وحتى عام ٢٠٠٩ م. ولأجل ذلك وقع الاختيار علي تسعة عناوين من الكتب الدراسية وأخضعت للتحليل بطريقة تحليل المضمون. وكانت النتيجة التي توصل اليها هذا البحث هي ان هناك اهتمام فائق جداً بالمكونات والمفاهيم المتعلقة بالهوية الثورية في الكتب الدراسية المشار إليها.

الألفاظ المفتاحية: كتب التاريخ الدراسية، الهوية الثورية، تحليل المحتوي.

jhaghgoo@ut.ac.ir

١. استاذ مساعد في قسم التاريخ، الحضارة والثورة الإسلامية، جامعة طهران.

farhad.parvaneh@yahoo.com

٢. ماجستير في التاريخ، جامعة الشهيد بهشتي ومدّرس في قطاع التعليم والتربية.

ebrahimzissa@gmail.com

٣. استاذ مشارك في جامعة پیام نور.

nazari.d@lu.ac.ir

٤. استاذ مشارك في جامعة لرستان.

الإرهاصات السياسية والثقافية خلال العقدين الأخيرين قبل الثورة الإسلامية: هيمنة الثقافة السياسية الشيعية

فريبا شايگان^١ / ميترا مسيگل^٢

ملخص البحث: الفرضية الأساسية التي يطرحها هذا البحث هي أن التيارات الدينية قد نجحت خلال العقدين الأخيرين قبل انتصار الثورة الإسلامية، عن طريق نشر الثقافة السياسية الشيعية في المجتمع في بلوغ الانتصار. المنهج الذي اعتمده هذا البحث هو المنهج التوثيقي ومن خلال الرجوع الي المصادر المعتبرة الموجودة، وكانت النتيجة التي توصل اليها هي أن الثقافة السياسية الشيعية وفي ضوء ما تتسم به من سعة المفاهيم، قد مهّدت الأرضية لقراءات متباينة، وكانت منذ بداية نشأتها الي العصر الحاضر، مدعاة لظهور ثلاث توجهات وهي: الإنعزالية، والمسالمة، والمعارضة بين الشيعة. غير أن هذه الثقافة تحمل بين ثناياها علي الدوام روح الإعتراض علي الحكومات غير المشروعة، وهي نزعة غالبية علي العناصر الاخرى. وقد استطاعت القيادة الدينية للإمام الخميني أن تطرح عن طريق شبكة علماء الدين، أيديولوجية شاملة ومتكاملة عززها ضعف وتهافت خطابات التيارات المنافسة، وبهذا أتيح لها التفوق علي سائر التيارات الموجودة، واستطاعت بتوجيهها لنضال الشعب الإيراني ضد النظام البائد تحمل راية أهم حركة إسلامية معاصرة.

الألفاظ المفتاحية: الثورة الإسلامية، الثقافة السياسية، التيارات السياسية - الثقافية، الثقافة السياسية الشيعية، الأيديولوجية الإسلامية، قيادة الثورة الإسلامية.

مقاربة نظرية للأحزاب والإستقرار السياسي (نظرة الي الأحزاب في الجمهورية الإسلامية في ايران نموذجاً)

محمد جعفر جوادى ارجمند^٣ / حسين دلبر^٤

ملخص البحث: ضمن رؤية كلية يمكن تناول قضية الأحزاب والاستقرار في التوجهات والمواقف السياسية الموجودة في الداخل الإيراني، علي ثلاث مستويات: اتجاه الوثائق المصدر والقوانين، واتجاه الناشطين في المجال السياسي، والاتجاهات العلمية. من الناحية الافتراضية ينتهي التأمل في مثل هذه النسبة إلي تكوين رؤي متباينة. في ما يتعلق بمعطيات هذه الدراسة، يظهر من خلال احصاء الاتجاهات علي المستويات الثلاثة المشار إليها أنفاً وباستعراض الادبيات، وضمن طرح إطار مفهومي من وجهة نظر تحليلية، أن هناك صلة ذات دلالة بين الأحزاب وعدم الاستقرار السياسي. وكذلك ما مدي العلاقة النظرية بين ادبيات ومؤشرات ديفيد ساندرز في ما يخص الاستقرار وعدم الاستقرار السياسي. وعلي هذا الأساس يجري تناول كلا الاتجاهين الافتراضيين وهما: هل الأحزاب السياسية تملك الأهلية والشروط الضرورية لايجاد الأمن والاستقرار، وفي المقابل هناك الفرضية القائلة إن الأحزاب السياسية والمنظمات المدنية تخلّ بالأمن والاستقرار بسبب اضطرابها الناتج عن ردود الفعل السياسية.

الألفاظ المفتاحية: الإستقرار وعدم الإستقرار السياسي، الأمن، الأحزاب.

shayegan_fa@yahoo.com

١. استاذ مشارك في جامعة العلوم شبه النظامية امين.

٢. ماجستير في علم الاجتماع، جامعة العلامة الطباطبائي.

mjjavad@ut.ac.ir

٣. استاذ مشارك في جامعة طهران.

hosein.delbar@gmail.com

٤. ماجستير في العلوم السياسية، كلية الحقوق والعلوم السياسية، جامعة طهران.

انعكاسات ونماذج من تصدير الثورة الإسلامية في إيران في دول منطقة غرب آسيا؛

العراق نموذجاً

علي أكبر جعفرى^١ / مليحة نيكروش رستمى^٢

ملخص البحث: ادى انتصار الثورة الإسلامية في إيران إلي تمهيد الأرضية لحصول تحولات واسعة بين مسلمى العالم، وتأثرت بها الكثير من النظم السياسية ومنها العراق. يحاول هذا البحث من خلال تطبيق نظرية الانتشار، الإجابة عن هذا السؤال وهو ما هي انعكاسات وتأثيرات الثورة الإسلامية في إيران، علي العراق؟ وما مدي وطبيعة انتشار الثورة الإسلامية في هذا البلد؟ تشير نتائج البحث إلي أن الثورة الإسلامية في إيران، احدثت تأثيراً لا يُستهان به علي العراق وخاصة علي الشيعة في هذا البلد، وتمخضت عنها مكوثات وعناصر من قبيل زيادة الوعي الذاتى لدي الشيعة، وحياء الهوية الدينية، والدفع باتجاه السعى من أجل نيل الحقوق السياسية للشيعة، وتحسين اوضاعهم السياسية وما إلي ذلك، كانت كلها ناتجة عن تأثير الثورة الإسلامية علي العراق. **الألفاظ المفتاحية:** نموذج تصدير الثورة، الانعكاسات، نظرية الإمتداد، غرب آسيا، الثورة الإسلامية في إيران، العراق، الشيعة.

اطار مفهومي لإدراك ومقارنة امتداد الثورات الي ما وراء حدودها

مجيد توسلى ركن آبادى^٣ / سيد عباس حسيني داورانى^٤

ملخص البحث: من خصائص الثورات الكبرى التي يعتبرها الثوريون ضمانة لعالمية ثورتهم هو انتشارها إلي ما وراء حدود الدول التي تقع فيها. هذه الخاصية التي تتصف بها الثورة جعل لها في الادبيات الدارجة لعلم الاجتماع السياسي مصطلح وهو «صدر الثورة» وإلي جانب هذا المصطلح تُستعمل كلمات اخري مثل انعكاسات الثورة، وامتداد الثورة، وتأثير الثورة. بين الكتب والمؤلفات العديدة التي صدرت في هذا المجال بلغات مختلفة، لا يوجد نموذج جامع لوصف وشرح «انتقال الثورات». ولهذا فقد حاول كاتبو هذا البحث عن طريق التعرف علي جذور الالفاظ المتداولة في هذا المجال، طرح نموذج لفهم ومقارنة امتداد الثورات إلي ما وراء الحدود. أعدت هذه الدراسة حول سؤال مفاده: ما هو النموذج الذي يمكن طرحه لانتشار وانتقال الثورات، لكي يتسني ضمن تعيين المقدمات، والآلية ومكوثات وانواع الانتقال، وضع اطار لمقارنة انتشار الثورات. **الألفاظ المفتاحية:** انتشار الثورة، تصدير الثورة، انعكاسات الثورة، نفوذ الثورة، النموذج العمومي، اطار مقارن.

١. استاذ مساعد في العلوم السياسية، جامعة مازندران.

٢. ماجستير في العلوم السياسية، جامعة مازندران.

٣. استاذ مشارك في قسم العلوم السياسية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع العلوم والبحوث، طهران.

٤. استاذ مشارك في قسم العلوم السياسية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع العلوم والبحوث، طهران.

a.jafari@umz.ac.ir

malihenikraves@ymail.com

tavasoli@gmail.com

abbasdavarani@ut.ac.ir

مصدر مشروعية الحكم الديني في ضوء الفكر التوحيدي للإمام الخميني عليه السلام

قاسم برازنده سفيدان عتيق^١ / محمدرضا كريمي والي^٢

ملخص البحث: كانت قضية مشروعية النظم السياسية منذ القديم، من أهم مباحث الفلسفة السياسية وأكثرها مثاراً للجدل بين أصحاب النظر. يقدم هذا البحث بأسلوب توثيقي تحليلي، تبيناً لمشروعية الحكم الديني في «الفكر التوحيدي» للإمام الخميني عليه السلام، الذي وضعه استلهاماً من اصل التوحيد وتبعاً لما جاء في آيات القرآن الكريم، ووفقاً لهندسته المعرفية وسيرته العلمية والعملية، وحصر فيه حق التشريع والحكم بالله تعالى فقط، لكي لا يتسنى لأحد ادعاء الحكم علي الناس بدون الاستناد إلي إذن وأمر من الرب الذي هو الحاكم المطلق، وأي نظام يفتقر إلي هذا الاستناد ليس إلا نظاماً طاغوتياً وفاقداً للمشروعية. وفي ضوء هذه الرؤية فان ممارسة السلطة بالنسبة إلي أي نظام مشروع تتحقق عن طريق ارادة الشعب واختياره.

الألفاظ المفتاحية: المشروعية، الملكية والربوبية الإلهية، الحكم والولاية المطلقة، الفكر التوحيدي، الإمام الخميني عليه السلام.

القدرة علي تحرك السلفية الجهادية في آسيا الغربية والأمن العام للجمهورية الإسلامية في ايران

حسين زحمتكش^٣ / هادي معصومي زارع^٤

ملخص البحث: الاحداث والتحويلات التي طرأت في السنوات الأخيرة في منطقة غرب آسيا وشمال افريقيا، رافقها طيف واسع من النتائج والمعطيات المتضادة احياناً، وجعلت مستقبل منطقة غرب آسيا تواجه اضطرابات أمنية وسياسية جارفة. وفي هذا السياق أدت الممارسات الواسعة والنعيفة للتيارات الجهادية السلفية إلي ظهور نوع من الاضطرابات والفوضى في المنطقة. من الطبيعي ان العبث التي تشهده هذه التيارات في أمن الدول، يمكن ان يعرض الأمن العام للجمهورية الإسلامية في ايران - بصفتها البوابة المؤدية إلي منطقة آسيا الغربية الناطقة بالعربية - إلي تحديات خطيرة أيضاً. من خلال رؤية عامة يمكن النظر إلي قضايا مثل انحسار الخطاب السياسي للكفاح (بين الاستضعاف والاستكبار) للثورة الإسلامية، إلي صراع ديني شيعي - سني، والشرح الجغرافي المحتمل في المحور المعروف باسم محور المقاومة، وتقسيم بلدان المنطقة وفقاً لمنطلقات لغوية، وعرقية، ومذهبية، وما شابه ذلك، وخطر اتساع المد المتطرف والصراعات الدينية في المنطقة، وزعزعة أو حتي اسقاط الحليفين الاقليميين لايران في المنطقة وهما العراق وسوريا، واقتراب الارهابيين من الحدود الجغرافية لايران، وأخيراً التهديد المباشر للأهداف الاقتصادية لهذا البلد في غرب آسيا، تعدّ من أهم المخاطر والتحديات التي تواجه أمن الجمهورية الإسلامية في ايران، نتيجة لامكانية تحرك السلفية الجهادية في منطقة آسيا الغربية.

الألفاظ المفتاحية: السلفية الجهادية، امكانية التحرك، الأمن العمومي، ايران، العراق، سورية.

baraz191@chmail.ir

r.karimivala@qom.ac.ir

hzahmatkesh@ut.ac.ir

mh.masomi@gmail.com

١. ماجستير في الأسس النظرية للإسلام.

٢. استاذ مساعد في جامعة قم.

٣. استاذ مشارك في قسم الدراسات الإقليمية، جامعة طهران.

٤. طالب دكتوراه في الدراسات الإقليمية، جامعة طهران.

العلاقة بين الإقتدار والمرجعية العلمية والتقنية للجمهورية الإسلامية في إيران في العالم، وبين الإقتدار والأمن القومي علي أساس مبادئ الثورة الإسلامية

فرهاد رهبر^١ / حسن حسينزاده^٢

ملخص البحث: في الفكر الإسلامي طُرحت قضية التفوق والعلو كحق وتكليف علي المسلمين. الهدف الأساسي من الحركة العلمية للبلد وفقاً لأقوال المرشد الأعلى للثورة الإسلامية هو ان تصبح إيران مرجعاً علمياً وتقنياً للعالم. حاول الباحث الذي أجرى هذا التحقيق بالاسلوب الوصفي السيار، وعن طريق التوفيق بين الدراسة المكتبية والميدانية، حاول تسليط الضوء علي العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقنية في العالم وبين ضمان الأمن القومي. وفي ضوء الاختبار الافتراضي الاحصائي المُستقي من بيانات استمارة الاستبيان، تم التوصل إلي نتيجة مفادها ان حصول الجمهورية الإسلامية في إيران علي الاقتدار العلمي، الذي يعنى في نهاية المطاف احرازها المرجعية العلمية والتقنية في العالم، بناءً علي الشرح الذي جاء بين ثنايا هذا البحث، له تأثيره في إيجاد الاقتدار وحماية الأمن القومي.

الألفاظ المفتاحية: المرجعية العلمية والتقنية، توليد العلم، الإقتدار، الإقتدار العلمي، الأمن القومي.

الخوف من الشيعة والخوف من إيران: استراتيجية امريكا لحفظ الكيان الصهيوني

جليل دارا^٣ / محمود بابايي^٤

ملخص البحث: لأجل التعرف علي سبل التي تتبعها الدول في بسط نفوذها في سبيل تحقيق اهدافها المرسومة علي صعيد السياسة الخارجية، لابد من النظر إلي جوانب شتي من هذه القضايا. بالاضافة إلي الممارسات المادية، هناك أيضاً ممارسات اخري ناعمة مثل التأثير النفسي علي شعب ما، وتوجيه الرأي العام فيه عن طريق الدعاية ووسائل الاعلام؛ حيث يتسني عن طريق ذلك زيادة ممارسة نفوذ الدول علي دول اخري. إلي جانب الاستراتيجيات المادية المختلفة التي تتبعها امريكا لحفظ أمن حلفائها وخاصة الكيان الصهيوني في منطقة غرب آسيا، نلاحظ أيضاً انها تعتمد اساليب ناعمة اخري مؤثرة من قبيل الاعلام النفسي كاسلوب ذي تأثير مضاعف. يطرح هذا البحث ظاهرتي الخوف من الشيعة، والخوف من إيران كاسلوبين ناعمين تتخذهما امريكا في الظروف الحالية كأدوات لحماية الكيان الصهيوني.

الألفاظ المفتاحية: الخوف من الشيعة، الخوف من إيران، الكيان الصهيوني، الأمن.

frahbar@ut.ac.ir

hosseinzadeh1989@gmail.com

jaliledara@gmail.com

١. استاذ في كلية الإقتصاد، جامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه في الأمن القومي، الجامعة العليا للدفاع الوطني.

٣. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة إعداد المدرسين.

٤. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة الشهيد باهنر، كرمان.